


آیا به اختراع چرخشی جدید نیاز داریم؟



«احمد شریف پور»

پیش‌فرض نصب شده و به تنها روش تعامل با برنامه‌ها تبدیل شود. تلاش‌هایی نظیر این، پیش‌تر هم با عرضه ریبون به همراه بسته آفیس ۲۰۱۰ یا پروژه‌های مستقلی نظیر Enso آغاز شده‌اند. اما هیچ یک مانند ریبون مقبولیت نیافته‌اند و عملاً این رابط تنها رقیب HUD خواهد بود. البته رقیبی در دنیای دیگر! آنچه موضوع را جذاب‌تر می‌کند این است که اوبونتو قصد دارد این سیستم را با تشخیص‌گفتار و تشخیص اشاره (Gesture) ترکیب کند و به این ترتیب طی دو سال آینده شما بتوانید واقعاً دستورها را به سیستم خود دیکته کنید.

همان‌گونه که همواره تایپ کردن از کار با ماوس سریع‌تر بوده است، به یقین گفتن نام دستورات از هر دو این‌ها سریع‌تر خواهد بود. اما سؤال این است که به رغم مزیت‌هایی که این شیوه جست‌وجوی دستورات به همراه دارد؛ (که نمونه‌های موفق آن را در Launcher محیط KDE و حتی در منوی استارت ویندوز ۷ می‌بینیم)، آیا لازم است که آن را به تمام رابط کاربری همه برنامه‌ها بسط دهیم؟ اگر نمونه‌ها نزدیک به چهل سال است بدون تغییر مانده‌اند، حرکت روی چهار چرخ، بیش از صد سال است که به استاندارد صنعت خودروسازی تبدیل شده است. آیا باید به فکر ایجاد سیستمی جدید برای حرکت خودروها باشیم؟ آیا سیستم HUD می‌تواند برای کاربران حرفه‌ای که هم‌زمان چندین و چند برنامه را در حال اجرا دارند مفید باشد؟ آیا همانند ترجمه متن‌های منو، پیاده‌سازی این سیستم برای دیگر زبان‌های رایج (به جز انگلیسی) امکان‌پذیر خواهد بود؟ آیا هدف واقعاً رسیدن به رابطی است شبیه آنچه در گزارش اقلیت دیده‌ایم؟ مسلم این که چنین تصمیمی یا اوبونتو را دوباره به پله نخست توزیع‌های محبوب باز خواهد گرداند یا آن را چند رتبه دیگر نیز پایین‌تر خواهد برد. تنها راه فهمیدن نتیجه، منتظر ماندن و رصد کردن واکنش‌های کاربران است. 

هوشمند، هنوز هم بخش بزرگی از کارهای ما تنها از طریق دستکاپ کامپیوترها انجام می‌شود و به کاربران، چه کاربران عادی و چه حرفه‌ای‌ها، وعده داده است که نسخه ۱۲/۰۴ اوبونتو رویکردی نوین را در رابط کاربری نرم‌افزار دستکاپ در پیش خواهد گرفت.

شاتل‌ورث این رابط جدید را که از منطق فازی و یادگیری ماشینی برای «نگاشت مقصود شما به رابط کاربری نرم‌افزار» استفاده می‌کند، VUI (سرنام Vocabulary User Interface) می‌نامد و آن را روندی برای رسیدن به «فرداسکاپ» می‌داند. در این رابط به جای بازکردن منوها و انتخاب گزینه موردنظر از میان آیتم‌های آن، کاربر تنها چند حرف از نام گزینه موردنظر را تایپ خواهد کرد. در این حالت سیستم به صورت خودکار به جست‌وجوی دستورها و گزینه‌ها در میان آیتم‌های منوی برنامه جاری و منوهای سیستمی می‌پردازد و نتایج را براساس برنامه در حال اجرا و همین‌طور یادگیری مواردی که کاربر بیشتر مورد استفاده قرار می‌دهد، مرتب خواهد کرد. خود شاتل‌ورث در نوشته‌اش توضیح می‌دهد که منوها در عمل دو کاربرد کاملاً مجزا دارند. نخستین کاربرد تقسیم‌بندی منطقی ابزارهای موجود در یک برنامه و فراهم آوردن دیدی کلی از قابلیت‌های نرم‌افزار برای کاربر تازه‌کار است. اما اجرای دستورها، همواره دومین و مهم‌ترین کاربرد منوها بوده است که HUD دقیقاً همین بخش را هدف قرار داده است. این همان قسمت از رابط کاربری همه سیستم‌عامل‌های رومیزی است که از دهه ۱۹۷۰ یعنی زمان اختراع GUI در پارک زیراکس تاکنون بدون تغییر باقی مانده است. به گفته شاتل‌ورث این سیستم در کنار منوهای فعلی در اختیار کاربر خواهد بود تا به تدریج به آن عادت کند. اما با توجه به سابقه اوبونتو در موارد مشابه قبلی، به نظر می‌رسد که ظرف یک یا دو نسخه آتی به صورت

چندی پیش درحین گشت‌زنی در اینترنت، در میان سرتیترهای اخبار دنیای پنگوئن‌ها با کلمه HUD (سرنام Head-Up Display) برخورد کردم. این کلمه پیش از هر چیز یادآور فناوری جدیدی بود که در خودروهای ب.ام.و برای نمایش اطلاعات وضعیت خودرو روی شیشه جلوی ماشین به کار می‌رود. اما برخلاف انتظار من، خبر به صحبت‌های اخیر شاتل‌ورث اشاره داشت و تغییری که توسعه‌دهندگان اوبونتو قصد دارند در نسخه ۱۲/۰۴ این توزیع پیاده کنند. اگر در گذشته هم پی‌گیر اخبار و رویدادهای دنیای این‌سورس و لینوکس بوده‌اید، به طور حتم به خاطر دارید که یکی از دلایلی که باعث شد اوبونتو بتواند مسیر ترقی و تکامل را بپیماید و تا مدت‌ها بر صدر فهرست توزیع‌های لینوکس بایستد (البته در کنار پشتیبانی مالی کانونیکال)، نوآوری‌های این توزیع بود. نوآوری‌هایی که در زمینه‌های مختلف از بازاریابی و ارسال دیسک‌های رایگان گرفته تا ساده‌سازی نرم‌افزارها و فرآیندهای مختلف برای کاربران مبتدی، در محصولات اوبونتو مشاهده می‌شد. یا به احتمال شما هم اعلام مهاجرت از سیستم مدیریت پنجره X به Wayland را به خاطر دارید! این نوآوری‌ها و تغییرات، گاهی نظیر انتقال به میزکار یونیتی، آن چنان رادیکال و ناگهانی بودند که به اعتراض و حتی مهاجرت کاربران قدیمی منجر می‌شدند. کاربرانی که هنوز از شوک حاصل از تبدیل محیط آشنای گنوم ۲ به گنوم ۳ فارغ نشده بودند، ناگهان یونیتی را به عنوان میزکار پیش‌فرض خود مشاهده کردند و با مهاجرت به سایر توزیع‌ها، به نوعی از این تحول ناگهانی گریختند.

به نظر می‌رسد که HUD هم نظیر یونیتی، چنان تغییر رادیکال و بنیادینی باشد که نتوانید جز عشق یا تنفر موضعی در قبال آن اتخاذ کنید. شاتل‌ورث در وبلاگ خود نوشته است که به رغم رواج تبلت‌ها و تلویزیون‌های